



فهرست مطالب

۲مقدمه
۲اقوال در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب
۲بررسی نظریه دلالت صیغه امر بر وجوب به حکم عقل
۲تقریرهای مختلف از دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب
۲نقد نظریه دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب
۳نظریه چهارم در وجه دلالت صیغه بر وجوب: دلالة بالاطلاق
۴تقریرهای مختلف نظریه دلالة بالاطلاق
۴تقریر مرحوم آقا ضیاء عراقی از دلالة بالاطلاق
۴نقد تقریر مرحوم عراقی از اصالة الاطلاق



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث و کلام در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب هست و همان‌طور که قبلاً بیان کردیم این بحث هم به لحاظ تحلیلی بحث دقیق و مهمی است و هم دارای ثمرات عملی در مقام اجتهاد از جمله در باب تعارض ظهورات هست.

اقوال در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب

در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب نظریات مختلفی وجود دارد که چهار نظریه عمده آن دلالت بالوضع، دلالت بالانصراف، دلالت به حکم عقل و دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت هست.

بررسی نظریه دلالت صیغه امر بر وجوب به حکم عقل

تقریرهای مختلف از دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب

تقریرهای مختلفی از دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب دارد که در جلسه قبل به آن‌ها اشاره شد که هرچند تفاوت‌های باهم دارند اما نمی‌توان این تقریرها را، استدلال‌های جدا از هم به حساب آورد بلکه همه آن‌ها، بیان‌های متفاوتی از یک استدلال می‌باشند که وجه اشتراک همه این تقریرها این است که وقتی امری از شارع صادر شد و ترخیصی هم در بین نبود موضوع برای حکم عقلی به لزوم اطاعت از مولی می‌شود.

نقد نظریه دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب

هرچند تقریرهای مختلفی از حکم عقل در دلالت صیغه امر بر وجوب، وجود دارد اما می‌توان از یک منظر کلی این تقریرهای مختلف را نقد و رد کرد و آن این است که موضوع حکم عقل چیست؟ آیا موضوع حکم عقل صرف بعث و طلب است یا اینکه صرف طلب و بعث نیست بلکه بعث و طلب مقید هست؟ در جواب این سؤال باید گفت که مطلق طلب و بعث موضوع حکم عقل به وجوب اطاعت نیست بلکه موضوع حکم عقل بعث شدیدی است که از ناحیه مولی



صادر شده است. مراد از بعث شدید، بعث و طلبی است که ترخیصی درباره آن وارد نشده است پس بعث و طلب مقید به عدم ترخیص، حکم عقل است همان طور که در کلام قائلین به این نظریه آمده است. سؤال دیگری که در اینجا وجود دارد این است که بیان ترخیص یا عدم آن بر عهده کیست؟ آیا وظیفه شارع است یا اینکه هر جا قرینه‌ای بر وجود ترخیص نبود عقل حکم به عدم ترخیص می‌کند؟ در جواب این سؤال باید گفت بیان ترخیص و عدم آن قطعاً بر عهده شارع است نه عقل و دلیل آن هم این است در مواردی که بعثی از مولی صادر می‌شود اما شارع در مقام بیان الزامی بودن یا غیر الزامی بودن حکم نیست، عقل حکم به وجوب نمی‌کند پس بیان ترخیص و عدم آن بر عهده شارع است و در مواردی که قید ترخیص در کلام نیامده است از باب اصالة الاطلاق و اجرای مقدمات حکمت پی به عدم وجود چنین قیدی می‌بریم و موضوع حکم عقل به وجوب اطاعت را احراز می‌کنیم. پس فهم وجوب و ظهور صیغه در وجوب مستند به مقدمات حکمت است و مستند به حکم عقل نیست.

نظریه چهارم در وجه دلالت صیغه بر وجوب: دلالة بالاطلاق

نظریه چهارم در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب نظریه اصالة الاطلاق است. مراد از اطلاق رفض القیود است نه اخذ القیود. اصالة الاطلاق با توجه به جریان مقدمات حکمت در مقام تام هست. مقدمات حکمت این است که مولی، عاقل و حکیم است و در مقام بیان از حیث قیود و ملتفت و قادر بر بیان قید هم هست، بنابراین اگر اراده بیان قید و شرطی را در مقام القا امر داشت آن را بیان می‌فرمود و چون بیان نکرده است پس اراده بیان قید و شرطی را در مقام نداشته است و قید و شرط خاصی در امتثال طلب لازم نیست. البته اطلاق به حسب نتیجه بر دو نوع است گاهی نتیجه اطلاق شمول اقسام است و گاهی نتیجه اطلاق تعیین احد الاقسام هست. مثلاً نتیجه اطلاق در دوران بین واجب کفایی و عینی، تعیین واجب کفایی است به این بیان که واجب کفایی نیاز به بیان زائد دارد و آن این است اگر این واجب را شخص دیگری به حد کفایت انجام نداد، امتثال آن واجب است و با توجه به مقدمات حکمت از آنجاکه قید و شرط توسط شارع بیان نشده است پس چنین قید و شرطی در کلام وجود ندارد و وجوب عینی تعیین پیدا می‌کند. اجمال بحث اصالة الاطلاق در مقام مدلول صیغه امر هم این است که اگر ندب، مدلول صیغه امر باشد نیاز به بیان زائد و قید ترخیص در کلام هست و از آنجاکه قید ترخیص بر ترک در کلام نیامده است پس وجوب تعیین پیدا می‌کند.



تقریرهای مختلف نظریه دلالة بالاطلاق

تقریرهای مختلفی از نظریه چهارم وجود دارد که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

تقریر مرحوم آقا ضیاء عراقی از دلالة بالاطلاق

مرحوم محقق عراقی در تقریر و بیان دلالة بالاطلاق صیغه امر بر وجوب با توجه به نظریه تشکیک در بعث می‌فرماید: بعث دارای مرتبه شدید و ضعیف هست و شدت و ضعف بعث ناشی از اراده شدید و ضعیف هست و در ادامه می‌فرماید اراده شدید همان اراده است بدون هیچ قیدی و اراده ضعیفه، اراده همراه با یک قید و حد عدمی که ضعف است، هست که این مرتبه اراده در مقام القا بعث نیاز به بیان زائد دارد و بر طبق اصالة الاطلاق و مقدمات حکمت، اگر این مرتبه و قید مراد شارع بود، حتماً آن را بیان می‌کرد و چون بیان نکرده است پس همان اراده شدید که وجوب است مراد شارع است. عبارت محقق عراقی این است «أن الوجوب غالب للإرادة الشديدة و الندب حاک عن إرادة الضعيفة و شدة الإرادة ليست بأمر زائد على الإرادة بل هي عينها و لكن الإرادة الضعيفة ارادة است مع حد عدمی و هو الضعف فبطبيعة الحال بیان هذا الحد العدمی بحاجة إلى مؤونة زائدة و قید فی مقام الاثبات و عندما اطلق المولى الامر الحاکى على الإرادة و لم يأت بقيد الترخيص و وصف الضعيف فيحمل الاطلاق على الإرادة الشديدة والوجوب.»

نقد تقریر مرحوم عراقی از اصالة الاطلاق

نقدهای زیادی بر مرحوم عراقی وارد شده است که نیازی به بیان همه آنها نیست. مهم‌ترین اشکالی که به تقریر محقق عراقی وارد شده است این است که این تقریر و دیدگاه بنا بر نظریه تشکیک مطرح شده است و بنا بر نظریه تشکیک، شدت و ضعف هر دو از مراتب نفس وجود و شیء می‌باشند و این‌گونه نیست که مرتبه ضعیفه محدود و مخلوط به حد و قید عدمی باشد و نسبت به مرتبه شدید قید اضافه‌ای داشته باشد و به عبارتی ما به امتیاز يرجع إلى ما به الإشتراك. در محل بحث هم همان‌طور که مرتبه شدید به ذات بعث برمی‌گردد و قید اضافه‌ای ندارد، مرتبه ضعیف هم به ذات بعث برمی‌گردد و قید اضافه‌ای در آن نیست.